

نسبت اندیشه اسلامی و خلق آثار فاخر در معماری معاصر ایران

محمد جواد مهدوی نژاد

دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

شیماس کشوری فرد

کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات

چکیده

خانه یکی از ارکان اصلی فضایی در حیات جامعه ایرانی و از مباحث مهم معماری ماست. نگاهی گذرا به معماری خانه‌های تاریخی، نشانگر جایگاه کیفی خانه نزد مردم این سرزمین است. خانه ایرانی، مملو از زیبایی‌های بصری و نمونه بارزی از تلفیق و ارتباط فرم‌های نمادین با باورهای عمیق اعتقادی است. این پژوهش گامی در مسیر شناخت معماری معاصر ایران، با تکیه بر معماری خانه‌های معاصر تهران است. بررسی تأثیر اسلام در معماری معاصر و نسبت آن با خلق آثار فاخر در معماری معاصر تهران هدفی است که در این پژوهش دنبال می‌شود، تا به این سؤالات پاسخ داده شود: ۱. چه نسبتی میان بهره‌گیری از اندیشه اسلامی و خلق آثار فاخر معماری وجود دارد؟ و ۲. چگونه می‌توان براساس درک این نسبت، الگویی برای هدایت معماری معاصر ایران

مطرح کرد؟ برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، تعدادی از آثار و بناهای متعلق به دوره قاجاریه و پهلوی به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده‌اند. براساس چهارچوب مفهومی پژوهش، مشابهت‌های کالبدی و مفهومی این بناها به‌عنوان عاملی برای تشخیص و تحلیل کیفیت تجلی باورهای دینی و اعتقادی اسلامی در معماری ایرانی به کار گرفته شده است. دستاوردهای پژوهش نشان‌دهنده آن است که آثار معماری معاصر ایران در حوزه خانه‌های تهرانی به‌خصوص در دوره قاجار، حاصل تجلی اندیشه‌های اسلامی در کالبد معماری ایرانی است.

کلیدواژه‌ها: خانه‌های تاریخی تهران، معماری ایرانی، اندیشه‌های اسلامی، معماری معاصر ایران.

مقدمه

الف) نقش معماری و شهرسازی در فرهنگ و تمدن

جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی نشان‌دهنده آن است که حکمت معماری اسلامی نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به آثار فاخر ایرانی دارد (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ص ۵۸). این مهم، نقشی تعیین‌کننده در خلق آثار ارزشمند و فاخر هنر اسلامی داشته است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۱: ص ۲۴). هنر، یکی از اصلی‌ترین عناصر شناخت تمدن است و ماندگاری یک تمدن به شناخت و حفاظت از آثار هنری آن تمدن بستگی دارد؛ چراکه تمام تمدن‌های جهانی با آثار ارزنده آن تمدن شناخته می‌شوند. هنر معماری از بارزترین نمادهای تمدن‌های جهان است و مظاهر خاص تمدن‌ها، به‌طور عمده در قالب معماری آنها نمود پیدا می‌کند. «اثر معماری تجلیگاه اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها و نیازهای انسان و ظرف زندگی اوست. انسان در تاریخ به ظهور می‌رسد و این ظهور در ظرف معماری است. پس ظهور تاریخی انسان به حقیقت ظهور در معماری است و تاریخ معماری یعنی تاریخ انسان و تاریخ زندگی او در این جهان» (قیومی بیدهندی، ۱۳۹۰: ص ۵۹). رونق و اعتلای معماری در ایران گواه آن است که این سرزمین از کانون‌های نخستین شهرسازی

و معماری بوده است که براساس بررسی‌های باستان‌شناسان، قدمت آن به حدود هزارهٔ هفتم قبل از میلاد می‌رسد. هنر و معماری ایران در تمامی دوره‌های خود، چه قبل از ظهور دین اسلام و چه در دورهٔ اسلامی منجر به خلق آثاری فاخر و ماندگار شده است و توانسته در هر دورهٔ زمانی، متناسب با شرایط و امکانات هر دوره، پاسخ‌گوی نیازهای کارکردی، فضایی و بصری ممکن باشد. معماری ایران، در دورهٔ قبل از اسلام به‌طور بارز در دو شیوهٔ پارسی و پارتی بروز کرده است و حتی قبل از پیدایش معماری اسلامی، هیچ‌گاه خالی از معنا نبوده است و همواره اصول معماری ایرانی که پیرنیا مطرح کرده، در بستر معماری ایران جریان داشته است. پس از آن با ورود دین اسلام به ایران و پیوند آن با اصول معماری کهن این سرزمین، دورهٔ درخشان دیگری در معماری ایران به عرصهٔ ظهور رسید که معماری اسلامی نامیده می‌شود و معماری ایران را از سایر سرزمین‌های اسلامی متمایز می‌کند. تأثیرات دین اسلام بر هنر و معماری ایران، هویتی منحصر به فرد به معماری این سرزمین اعطا کرده است. زیرا هنر معماری در میان هنرهایی که محیط انسان را شکل می‌دهند و آن را با برکت اسلامی هماهنگ می‌سازند، مقام اصلی را دارد. تیتوس بورکهای معتقد است که «اسلام در باطن خود علاوه بر جهان‌شناسی که هنر اسلامی را تغذیه می‌کند، مبانی نظری پرمایه‌ای برای هنر قدسی خود دارد» (همان: ص ۲۸۵). در هنر اسلامی کلاً قصد بر این است که محیطی پدید آید تا در آن، انسان بتواند شرف و عزت اصلی‌اش را، که ارمغان ازل است، دریابد (همان: ۲۹۱). موضوع هنر اسلامی نخست محیط انسان است و چون موضوع معماری نیز محیط انسان است، علت اهمیت معماری در هنر اسلامی معلوم می‌شود (همان: ص ۲۹۵). در این میان، خانه یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عناصر فرهنگی یک تمدن است. در تمدن اسلامی هم تأکید بسیاری بر اهمیت خانه و سکونت شده است. معماران مسلمان در احداث خانه‌ها، صورت‌ها و قالب‌هایی را خلق کرده‌اند که در تحقق مفهوم حقیقی سکونت، بیشترین کارآمدی را داشته باشند. «خانهٔ ایرانی جلوهٔ مستقیم ارزش‌های معنوی و فرهنگی و شیوهٔ زندگی بود» (حائری، ۱۳۸۸: ص ۱). با بیان این مقدمه، در ادامهٔ مقاله به بررسی خانه‌های

معاصر تهران می‌پردازیم.

ب) اهمیت و ضرورت موضوع

برای ماندگاری یک تمدن در دنیای کنونی، باید نمادهای مهم تمدن را مورد بررسی و معرفی قرار داد. برای حفظ تمدن ایرانی باید به ایران‌شناسی و تقویت کرسی‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی در سطح دنیا دست زد تا این تمدن روزبه‌روز ارتقا پیدا کند. بر همین اساس، با تأکید بر ضرورت تدوین الگوی اسلامی، یکی از اهداف و برنامه‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله که در برنامه چهارم و پنجم توسعه ذکر شده است، حفظ هویت ایرانی - اسلامی کشور است. تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی و همین‌طور حفظ هویت فرهنگی - هنری و حراست از میراث فرهنگی؛ از مهمترین اهداف مطالعه در حوزه هویت اسلامی در معماری معاصر ایران است. در شرایط کنونی، ایران اسلامی نیاز به ارائه الگوی یادشده در زمینه معماری و شهرسازی دارد. بررسی روند تغییرات الگوهای معماری از گذشته تا به امروز، کمک شایانی به شناخت عوامل مؤثر در جایگاه امروز معماری مسکونی ایران دارد. تغییر، ذات جدایی‌ناپذیر هر جامعه است و معماری هم از این قاعده مستثنی نیست. در زمانی کمتر از نیم قرن، تغییرات عظیمی در معماری خانه‌های ایران رخ داده است. در این خانه‌ها، بی‌توجهی به فضا، فعالیت، شیوه زندگی، عوامل فرهنگی، عوامل اقلیمی و... نشان از بحرانی عمیق در اوضاع کنونی معماری ما دارد، با اینکه خانه ایرانی در گذشته، تجلی ارزش‌های فرهنگی و معنوی و سازماندهی آگاهانه فضا براساس شیوه زندگی بود. آنچه در این پژوهش مدنظر است، شناخت ویژگی‌های این خانه‌ها و چگونگی پاسخ‌گویی معماری، به مراتب مادی و معنوی ساکنین آنهاست، تا شاید بتوان گامی به‌منظور بازیابی، مفاهیم و مبانی اصیل معماری ایرانی برداشت.

ج) بیان مسئله

خانه از مهم‌ترین نشانه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی هر قوم و هر دوره تاریخی، و نشان‌دهنده فضای زیست انسان در هر زمان است. معماری خانه، تابع اصول و مفاهیمی

است که پیوندی استوار و ناگسستنی با فرهنگ، الگوهای رفتاری و ارزش‌های جامعه دارد و به همین دلیل است که ویژگی‌های معماری هر دوره، انعکاسی از فرهنگ و هنر آن دوره محسوب می‌شود؛ همچنان‌که تغییرات در معماری با تغییراتی که در سایر عرصه‌های زندگی به وقوع می‌پیوندد، متناسب است. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مسیر شناخت معماری ایران انجام شده است، ولیکن در سه دهه گذشته، عرصه تحقیق و تفحص درباره خانه‌های ایرانی، کم بوده است. از میان معماران ایرانی، محمد کریم پیرنیا، نادر اردلان، محمدکاظم سیفیان، غلامحسین معماریان و تنی چند از پژوهشگران علاقه‌مند خارجی، همچون کریستین برومبِرْزه در دهه چهل و پنجاه پدیده خانه و سکونت را در ایران از نقطه نظر ویژگی‌های معماری و شیوه زندگی ایرانی مورد بررسی قرار داده‌اند. پس از آن در دهه شصت، معماران جوان ایرانی، مطالعات ارزشمندی را درباره خانه‌های تاریخی چند شهر، از جمله اصفهان، یزد و شوشتر منتشر کردند. در دهه هفتاد هم، وزارت مسکن و شهرسازی، تصاویر خانه‌های تاریخی شهرهای اصفهان و کاشان را منتشر کرد؛ ولیکن در میان تمام آنها، جای خالی تحقیق و پژوهش درباره خانه‌های معاصر تهران مشاهده می‌شود. بر همین اساس، این پژوهش گامی دیگر در مسیر شناخت معماری خانه‌های ایران، با تکیه بر خانه‌های معاصر تهران است.

د) روش تحقیق

در مقاله حاضر از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی استفاده شده است. روش و ابزار مورد استفاده تحقیق نیز از روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک مکتوب است. بدین منظور در قسمت نظری، از روش مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک مکتوب بهره‌گیری شده است. در بخش مطالعات موردی نیز عمده کار بررسی، از طریق مشاهده عینی صورت گرفته و تکنیک تحلیل، مقایسه تطبیقی بین مفاهیم و نمونه‌های طراحی است. بیست مورد از خانه‌های تاریخی تهران به عنوان نمونه و به صورت تصادفی انتخاب شدند. مکانیزم عمل در این پژوهش براساس متدولوژی مبتنی بر نقد معماری و تحلیل همه‌جانبه آثار معماری (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۷۰) بنیان گذاشته شده است.

پیشینه تاریخی معماری اسلامی

معماری ایران روندی پیوسته و ملایم را تا دوره قاجار طی کرده و دگرگونی‌های لازم در هر مرحله یا دوره متناسب با نیازها و خواسته‌ها در آن پدیدار شده، تا به بهترین نحو ممکن، متناسب با شرایط و امکانات هر دوره، پاسخ‌گوی نیازهای کارکردی، فضایی و بصری ممکن باشد. با پذیرش دین اسلام از سوی ایرانیان، تحولاتی در هنر معماری ایران آغاز شد که در نهایت منجر به ظهور چهار شیوه معماری اسلامی با عنوان شیوه خراسانی، رازی، اصفهانی و آذری شد. در هر کدام از دوره‌ها، شیوه‌های معماری منجر به خلق آثار فاخری شد و در شیوه اصفهانی، معماری اسلامی ایران به اوج خود رسید. هنر و معماری ایران از دیرباز مبتنی بر پنج اصل بوده است که عبارت است از: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندگی، درون‌گرایی؛ که به‌خوبی در آثار و بناهای دوره اسلامی مشاهده می‌شود.

با ورود اسلام به ایران، تعالیم اسلامی که به نوعی در همه ابعاد زندگی متجلی می‌شود، با میراث کهن معماری ایرانی آمیخته و منجر به خلق آثاری فاخر می‌شوند که به دنبال دگرگونی‌های پس از آمدن اسلام به ایران، پدیدار شدند. اولین دگرگونی‌های فرهنگی در منطقه خراسان رخ داد. از قرن اول تا چهارم هجری، این سرزمین زادگاه نخستین نمونه‌های هنر و معماری اسلامی است. بارزترین و بیشترین بناهای این دوره، مساجد هستند که در معماری ایران همواره جایگاه والایی دارند. از اصیل‌ترین ساختمان‌های شیوه خراسانی، مسجد جامع فهرج است. سادگی بسیار در طراحی و پرهیز از بیهودگی، از خصوصیات شاخص این دوره است.

پس از شیوه خراسانی، شیوه رازی ادامه پیدا می‌کند. آغاز کار این شیوه از شمال ایران بوده، اما در شهر ری پا گرفته است. در این شیوه به غیر از مساجد، ساختمان‌های دیگری مانند آرامگاه‌های برجی و میل‌ها ساخته شده‌اند. همچنین در این شیوه، معماران در ساخت گنبد به پیشرفت‌های چشمگیری رسیدند. آغاز ورود تزئینات در بنا از قبیل گره‌سازی با آجر و کاشی، گچ‌بری، معرق و... از همین زمان بود. در میان بناهای شاخص

این شیوه می‌توان از مقبره امیر اسماعیل سامانی، گنبد قابوس و برج‌های خرقان نام برد. از شیوه رازی با عنوان شیوه بی‌همتای معماری اسلامی نام برده می‌شود.

بعد از شیوه رازی، شیوه آذری به عرصه ظهور رسید. زادگاه این شیوه سرزمین آذربایجان است که در معماری ایران اهمیت به‌سزایی دارد، زیرا شیوه‌های پارسی و اصفهانی هم از همین سرزمین برخاستند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این شیوه، بهره‌گیری بیشتر از هندسه در طراحی و همین‌طور تنوع و گوناگونی طرح است. در این دوره ساخت مدرسه هم در کنار دیگر بناها اضافه شد. ساختمان‌هایی با اندازه بسیار بزرگ همچون گنبد سلطانیه و مسجد علیشاه در تبریز که به دلیل اصل مردم‌واری در شیوه‌های پیشین مانند نداشت، در این دوره رخ داد. از دیگر آثار فاخر این دوره می‌توان به مسجد جامع یزد، مسجد گوهرشاد، مدرسه غیاثیه خرگرد، مسجد میرچخماق و مسجد کبود تبریز که شاخص‌ترین بناهای این شیوه است، اشاره کرد.

آخرین شیوه معماری ایران، شیوه اصفهانی است. شهر اصفهان در این دوره مورد توجه خاصی قرار می‌گیرد. بناهای متنوعی از قبیل مساجد، مدارس، بازار، کاخ‌ها پل‌ها، کوشک‌ها، حمام، میدان و... در زمان روی کار آمدن این شیوه در شهر اصفهان ساخته شد، که در زمره آثار ارزشمند و فاخر این سرزمین قرار دارند. «این شیوه کمی پیش از روی کار آمدن صفویان، از زمان قره‌قویونلوها آغاز شده و در پایان روزگار محمدشاه قاجار، دوره نخست آن به پایان می‌رسد. دوره دوم آن، زمان انحطاط این شیوه است که در واقع از زمان افشاریان آغاز شد و در زمان زندیان دنبال، ولی پسرفت کامل از زمان محمدشاه آغاز شد و در دگرگونی‌های معماری تهران و شهرهای نزدیک به آن آغاز شد» (پیرنیا، ۱۳۸۵: ص ۲۷۲). از آثار این دوره می‌توان به: مسجد شیخ لطف‌الله، مدرسه خان شیراز، مدرسه چهارباغ اصفهان، مجموعه گنجعلی خان، کاخ چهلستون، کوشک هشت‌بهشت، مدرسه آقابزرگ کاشان، پل الله‌وردی خان و... اشاره کرد.

الف) معماری قاجار و شکل‌گیری معماری معاصر ایران

مطالعه مفاهیم مربوط به تجدید حیات‌گرایی و معماری معاصر در سال‌های پس از

پیروزی انقلاب اسلامی و تمامی این مثال‌ها نشان‌دهنده آن است که مفاهیم اسلامی نقش مهمی در شکل‌دهی معماری معاصر ایران داشته است (مهدوی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ص ۹۶). در میان این آثار و دوره‌های مختلف معماری ایران که بناهای فاخری در آن ساخته شده است، دوره قاجار از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از این دوره می‌توان به‌عنوان دوره میانی برای عبور از معماری سنتی به معماری مدرن نام برد و این در حالی است که در دوره قاجار پیوستگی زیباشناسانه و تکنیکی معماری با معماری‌های سنتی ایرانی پیش از آن، همچنان ادامه دارد و هنوز معماری ایرانی تحت تأثیر تفکر مدرنیستی قرار نگرفته است (مهدوی‌نژاد و ناگهانی، ۱۳۹۰: ص ۵۱-۶۲). پیدایش معماری معاصر ایران همزمان با تحولات گسترده اجتماعی - سیاسی غرب است و نمی‌توان بدون آگاهی از رویدادها و تحولات تاریخی آن دوره به شناخت و بررسی هنر و به‌خصوص معماری دوران قاجار رسید. بررسی دقیق تحولات تاریخ معاصر در این تحقیق نمی‌گنجد، ولیکن بخشی از آن را به‌صورت اجمالی بیان می‌کنیم.

در دوران فرمانروایی سلسله قاجار، شاهد تغییرات مهمی در ایران هستیم. «از صدوپنجاه سال حکومت قاجار (حک ۱۳۰۴-۱۱۶۴ خورشیدی/ ۱۹۲۵-۱۷۸۵ میلادی) صدسال میانی آن مصادف با قرن نوزدهم میلادی و نیمه دوم آن صدسال، همزمان با حکومت ناصرالدین شاه بود. تحولاتی که در این زمان جامعه ایرانی را به نحوی چشمگیر و تکان‌دهنده دستخوش دگرگونی کرد، در واقع انعکاس کمرنگی از تحولات عمیق و بنیانی و پردامنه غرب بود که از فرارسیدن عصر جدیدی در اروپای قرن نوزدهم و بعد در سراسر جهان خبر می‌داد. ایران نیز به اندازه استعداد خود، مدرنیته‌ای را که در غرب متولد شده بود، هرچند اتر و مسخ‌شده‌تر تجربه کرد» (بانی مسعود، ۱۳۸۹: ص ۷۵). در این دوره، شهر تهران به‌عنوان مرکز حکومت قاجاریه انتخاب شد و در پی آن، توجه حکومت معطوف به معماری و ساخت ابنیه ممتاز در تهران شد. با تأمل در هنر قاجار درمی‌یابیم که معماری قاجار هم به نحوی در ادامه اصول، مبانی و الگوهای پیشین معماری ایران گام نهاده است، لیکن به نظر می‌رسد که توانایی خلق معماری نوین را نداشته است. اقداماتی از قبیل

ترکیب فناوری اروپایی با فرهنگ سنتی ایران، استخدام معلمان خارجی، اعزام محصل به اروپا، دایر شدن مدارس فرانسوی و مؤسسات آمریکایی و بحران‌های ناشی از صنعتی شدن و... زمینه‌ساز تغییرات محسوس در ساختار جامعه شهری و معماری آن دوره بودند. «تجدد، معماری تهران و سبک زندگی ساکنین تهران را دگرگون کرد» (همان: ص ۷۸). معماری با گرایش سبک غربی، از بناهای دربار آغاز شد و سپس طراحی شهری تهران را دربرگرفت. در نتیجه تهران که صفات شهرهای ایرانی - اسلامی را داشت، به غیر از بخش قدیم شهر که ویژگی سنتی و بافت قدیم خود را حفظ کرد، چهره بخش جدید شهر را ساختمان‌هایی به سبک و شیوه غربی و اروپایی متحول کرد. از مهم‌ترین ابنیه‌ای که در این دوره ساخته شد، می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد: مدرسه دارالفنون، تجدید بنای کاخ نیاوران، ارگ و مجموعه ساختمان‌های کاخ گلستان، مدرسه و مسجد سپه‌سالار، قصر فیروزه، قصر عشرت‌آباد و... اما بیشترین بناهای ساخته‌شده در این دوره، خانه‌های مسکونی هستند، به نحوی که معماری دوره قاجار را معماری خانه‌سازی یا معماری خانه‌های مسکونی نامیده‌اند. از بین خیل عظیمی از ساختمان‌های دوره قاجاریه در شهر تهران، متأسفانه معدودی از آنها موجود است و از بین آنها تعداد کمی بدون دخل و تصرف باقی مانده است. در این دوره به علت افزایش جمعیت شهرنشین، بیشترین ساخت‌وسازها معطوف به ایجاد سرپناه و خانه برای مردم مهاجر و تازه‌وارد به شهر شد. موقعیت قرارگیری بیشتر آنها، هم‌اکنون در بافت تاریخی و مرکزی شهر تهران است. بر همین اساس، جامعه آماری این پژوهش که بررسی معماری معاصر ایران در یک‌صد سال اخیر است (قاجاریه و پهلوی) از میان خانه‌های مسکونی آن دوره انتخاب شده است.

ب) نمود مفاهیم اسلامی در معماری خانه‌های معاصر ایران

اعتقاد به توحید، یعنی ایمان و عمل به آموزه‌ها و تعالیم دین اسلام که محور اصلی معماری اسلامی است. اندیشه توحیدی مبنی بر اعتقاد به خدای واحد، سبکی بود که در اکثر هنرهای اسلامی به عنوان موضوعی بکر به کار می‌رفت. معماری اسلامی هنری بود که نه تنها در اماکن دینی همچون مساجد مورد استفاده قرار می‌گرفت، بلکه از آن

در مدارس، ضریح‌ها، قصرها و حتی خانه‌ها و حمام‌ها نیز بهره گرفته می‌شد. براساس شناختی که از اصول معماری اسلامی به‌دست آمده است، به این ویژگی پی می‌بریم که در جامعه اسلامی، بناها با فرض اصولی متقن و مبتنی بر یک جهان بینی معنوی، فرم و صورت خویش را می‌آراستند. «دیدگاه توحیدی سنت نه تنها تمامیت معماری بلکه تمام مؤلفه‌هایی که در کنار هم فرم معماری را پدید می‌آورند، از قبیل فضا، شکل، نور، رنگ و ماده را در بر می‌گیرد. از آنجا که دیدگاه توحیدی در اسلام بسیار مورد تأکید است، هیچ چیز خارج از محدوده آن قرار نمی‌گیرد و محدوده مشروعی برای امر صرفاً دنیوی و یا غیرالهی در تقابل با معماری مقدس یکسره اسلامی قایل نمی‌شود، هر استفاده‌ای که داشته باشد، در زمینه سنتی‌اش در همان زمینه معماری مطلقاً مقدس مانند مسجد دیده می‌شود. مفاهیم فضا و فرم برای خانه و بازار همانی هستند که در مسجد مشاهده می‌شود، چون فضایی که انسان سنتی در آن زندگی کرده تغییری نمی‌کند، هرچه که باشد» (نصر، ۱۳۷۹: ص ۱۶). با اینکه معماری ایران، قبل از ورود و پذیرش اسلام از سوی ایرانیان هم خالی از معنا نبوده و در شیوه‌های معماری پیشین (شیوه پارتی و پارسی) اصول معماری اسلامی مانند مردم‌واری و پرهیز از بیهودگی نمایان است، اما پس از اسلام، با الگو گرفتن از باورهای اسلامی، حرکت خود را به‌سوی تکامل آغاز کرد. این رشد و تکامل در معماری ایران، با بررسی آثار و مطالعه تاریخ معماری اسلامی به‌خوبی مشهود است. معماری خانه‌های سنتی هم مملو از تأثیرات مفاهیم دین اسلام و تلفیق آن با باورهای اعتقادی ایران زمین است. تأکید قرآن مجید در آیه «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل: ۸۰) بر اینکه خانه و بیت، محل سکونت و آرامش است و این سکونت پیش از آنکه مفهومی فیزیکی داشته باشد، در خود دارای معنای متافیزیکی به‌معنای سکونت و آرامش روح و روان است، ایجاب می‌کرد قالب‌ها و فرم‌های مسکن در جامعه اسلامی به‌منظور تحقق این معانی شکل گیرند. لاجرم در این تمدن، در عرصه معماری، معنا مقدم بر قالب و صورت بود. (بلخاری، ۱۳۹۰). بدین ترتیب خانه ایرانی، فضایی برای گرمی داشت حضور آدمی در خلوت و جمع است (حائری، ۱۳۸۸: ص ۱). در مسیر گونه‌شناسی فضایی خانه‌های

معاصر تهران، مشابهت‌های ساختی و مفهومی مشاهده می‌شود و با اینکه اکثر این بناها متعلق به دوره قاجاریه است، لیکن بخش اعظمی از ویژگی‌ها و تجربیات معماری و فضایی معماری قبل از قاجار نیز در آنها مشاهده می‌شود؛ الگوهای فضایی و مفهومی که معماران در طی قرن‌های متمادی در معماری مورد استفاده قرار داده‌اند و ویژگی‌هایی بیش از فرم را در درون خود دارد. «آنچه از الگوهای فضایی شامل فرم، مضمون و حالت که از صافی اعصار گذشته و امتحان خود را پس داده و اعتبار خود را پس از پذیرش جامعه حفظ کرده، برای نسل‌های بعدی به کار گرفته شده است. هر نسلی نیز مواظب بوده که کاستی‌ها و نقایص الگوهای فضایی را مشخص و برطرف کند تا بتواند آن را به نسل‌های آینده منتقل سازد» (همان: ص ۱۱۷). براساس مطالعات انجام‌شده، معلوم شد که «شکل‌گیری بنا چه بصورت منفرد و چه بصورت مجتمع، هم زمان و هم مکان براساس ترکیب سه الگوی فضاها، باز، بسته و پوشیده صورت گرفته است. به طور مثال، می‌توان مجموعه بناهای واقع بر صفت تخت جمشید را به عنوان یک نمونه پیش از اسلام با مجموعه بناهای واقع در پیرامون مرقد امام هشتم (ع) به عنوان یک نمونه پس از اسلام مثال زد.» (همان: ص ۱۱۷). بررسی‌ها نشان می‌دهد، در خانه‌های ایرانی معاصر ویژگی‌های فضایی و مفاهیم مشترکی دیده می‌شود که در اکثر آنها یکسان است، یعنی علی‌رغم نبودن قوانین مدون سراسری، ادراک فضایی یکسانی در کشور به هنگام ساخت و ساز وجود داشته که در شکل‌گیری ساختار فضایی خانه مؤثر بوده‌اند. عوامل بسیاری از قبیل عوامل اقلیمی، مقیاس، پشتوانه تاریخی و آئینی و... در شیوه‌های ترکیب و تعریف فضاها منجر به تنوع و گوناگونی فضا در خانه‌ها شده است، لیکن اکثر آنها از معنا، مضمون و حدود مشخص برخوردار بود. در تمامی این خانه‌ها الگوهای فضایی مشابه قابل مشاهده و ثبت است، اما تمایز و تنوع آشکاری نیز از نقطه نظر تعریف و ترکیب الگوهای فضایی و تمایز حالت‌های فضایی در آنها عیان است. الگوهای فضایی خانه‌های تاریخی به بیش از دو بعد توجه داشته است و مرتبط با حالات و روابط انسانی شکل گرفته است و در هر کدام، امکان تحقق عملکردهای متعدد وجود دارد. در مسیر شناخت و تحلیل خانه تاریخی

ایران، عناصر فضایی متعددی را می‌توان نام برد که هر کدام از این اجزاء فضاها، هم نام مشخص داشته و هم از استقلال نسبی برخوردار بوده‌اند. در نتیجه ترکیب معینی از آنها به شکل‌گیری خانه‌های کوچک و بزرگ منجر می‌شد و هر جزء فضا معرف یک مفهوم فضایی در خانه بود. در هر یک از فضاها، طبیعت، انسان، تاریخ و جامعه به صورت و ساختاری مشخص به تعادل رسیده و حضور دارند. تمامی این عناصر و اجزاء فضاها در تعریف و ترکیب، پاسخ‌گوی نیازهای کمی و کیفی ساکنین، یعنی ایمنی، آسایش و آرامش بوده‌اند؛ فضاهایی از قبیل: دربند، سردر، هشتی، دالان، صفه، حیاط، مهتابی، دودری، سه‌دري، پنج‌دري، شاه‌نشین، گوشواره، کریاس، پستو و... که در هر کدام از آنها، ویژگی‌های معنایی و مفهومی برگرفته از فرهنگ و باور و اندیشه اسلامی نهفته است. مبانی و مفاهیم دینی در معماری خانه‌های ایرانی، هم در کلیات و هم در اجزاء تجلی کرده است. شیوه بهره‌مندی از فضا در معماری این خانه‌ها، شیوه درون‌گرایانه بوده است که منجر به خلق نظام فضایی مرکزی شده است. اصل مرکزیت در بنا، برگرفته از اندیشه توحیدی مسلمانان است. این مرکزیت را می‌توان در سازماندهی فضاها (ایجاد حیاط مرکزی و تعبیه فضاها در اطراف آن) و نمای ساختمان (از طریق ایجاد تقارن افقی و عمودی) و حتی در جزئیات رجوع به عدد فرد، در سه‌دري‌ها، پنج‌دري‌ها و هفت‌دري‌ها به خاطر داشتن محور تقارن، مشاهده کرد. مفهوم دیگری که در خانه‌های ایرانی متجلی شده است، حفظ حریمیت و امنیت است. «معیار شکل‌دهی فضا در خانه ایرانی براساس رعایت حریم استوار است. حریم که خود انعکاس فضایی حرمت است، تنظیم‌کننده روابط فرد و جامعه می‌باشد. حریم در حفاصل خصوصی‌ترین خلوت ساکن در خانه تا عمومی‌ترین تجمع اهالی و خویشاوندان در خانه بصورت فضاهاى بینابینی و متوالی معیار شکل‌دهنده مراتب فضایی خانه است» (همان ص ۱۱۶). این مفهوم در عناصر هشتی و ورودی خانه و همچنین در سلسله‌مراتب رسیدن از فضای عمومی به خصوصی متجلی شده است. «وجود هشتی در خانه‌ها که به نحوی مرز میان خلوت و جلوت یا حریم و فضای خارج از خانه را شکل می‌داد. هشتی به‌عنوان یکی از اصول خانه‌سازی، با فضا

و راهروهای پیچ‌درپیچ نه تنها مانع نگاه اغیار به داخل منزل می‌شد، بلکه با ایجاد مکثی روانی، هر که از خانه بیرون می‌شد را آماده ورود به عرصه جامعه می‌کرد و آنکه وارد می‌شد را آماده ورود به عرصه خانه» (بلخاری، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر و به طور خلاصه می‌توان جمع‌بندی کرد که نمود مفاهیم اسلامی در معماری خانه‌های معاصر ایران ادامه اندیشه ایرانیان در الهام از مفاهیم دینی در هنر و معماری اسلامی ایرانی است.



تصویر ۱: تجلی مفهوم مرکزیت و درون‌گرایی، با ایجاد حیاط مرکزی و تعبیه حوض در مرکز حیاط (خانه فخرالملوک، تهران) (منبع: نگارندگان)



تصویر ۲: در این تصویر حضور تقارن در پلان و نمای بنا و همین‌طور نقش حیاط در مرکزیت بنا قابل مشاهده است (خانه کاظمی، تهران) (منبع: نگارندگان).

«سردر ورودی خانه‌های تاریخی یک فضای اتصالی و انتقالی هستند، که معبر را به درون خانه متصل می‌کنند. دیوار خانه به نحوی دوطرف در ورودی را در بر می‌گیرد» (حائری، ۱۳۸۸:

ص ۱۲۸). «عقب نشینی و ورودی از گذر از بعد دینی نمایانگر اعتقاد مردم به عدم تجاوز به حقوق دیگران است. قرارگیری دو سکو در طرفیت ورودی، از نظر ارزش‌ها و هنجارهای ملی، نمود ارزش‌گزاری به برقراری ارتباط با همسایگان و توجه به حقوق شهروندی جهت ایجاد محل‌های استراحت در مسیر حرکتی و در نهایت به لحاظ بعد اعتقادی، ایجاد فضای مناسبی برای بدرقه و پیشواز مهمان و تازه‌واردان مدنظر بوده است. این سنت از لحاظ مذهب نیکوست» (بمانیان، ۱۳۸۹: ص ۱۷). یکی دیگر از تجلیات اندیشه اسلامی در معماری خانه‌های ایرانی، پیوند معماری با طبیعت است. همدلی و احترام به طبیعت، ریشه‌های عمیق فرهنگی دارد و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان، معماری و طبیعت در معماری سنتی ایران کاملاً مشهود است. جهت‌گیری و سازماندهی فضاهای خانه نسبت به نور و تابش آفتاب، تعبیه حوض آب در مرکز حیاط خانه و کاربرد گیاه و ساختن باغچه، برگرفته از مفاهیم و ارزش‌های دین اسلام در باب نور، آب و گیاه است. اشارات فراوان در کتاب آسمانی درباره گیاه، نور و اجزاء طبیعت و در نهایت تمثیل بهشتی آن موجب شده است که در معماری ایران حضور طبیعت به‌طور همه‌جانبه باشد. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در باب رابطه سه عنصر نور و آب و گیاه و معماری انجام شده است که ذکر مفصل آنها در این مقاله نمی‌گنجد و خود پژوهش مستقلی را می‌طلبد، لیکن شرح مختصری بر آنها خواهیم داشت.

- آب: آب در معماری اسلامی یکی از عناصر اصلی است. حضور آب در بناهای اسلامی به شکل حوض، علاوه بر تطهیر مسلمین موجب مطهر شدن فضا نیز می‌شود. لذا آبی که مظهر پاکی و روشنایی است، با حضورش در قلب خانه، لطافت حیات را تداعی می‌کند و با انعکاس صورت آسمان بر زمین، عرش ملکوت را تجلی می‌دهد. حوض در معماری ایران، شیوه‌ای انعطاف‌پذیر برای استقرار آب در درون فضاهای مختلف است. پژوهش‌ها سه نمونه حضور آب در بالاخانه، در سطح حیاط و زیرزمین را نشان می‌دهند، اما به‌طور معمول، حیاط‌ها با حضور حوضی پر از آب، با ابعاد و شکلی موزون و متناسب با سطح حیاط و در میانه آن مزین شده‌اند. حوض‌ها معمولاً از طریق آب‌های